

## ظرفیت‌های فلسفه سیاسی امام خمینی علیه السلام

A\_akhlaqy@yahoo.com

کلیه عبدالله اخلاقی / سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه و کارشناس ارشد علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

omidimah@gmail.com

مهدی امیدی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

پذیرش: ۹۶/۲/۲۶

دریافت: ۹۵/۸/۱۱

### چکیده

حرکت تاریخی امام خمینی علیه السلام تحول شگرف و عمیقی در دنیای کنونی به وجود آورد و توانست توجه بسیاری انسان‌ها را به خود معطوف نماید. برای درک عمیق این رویداد تاریخی، لازم است تا فلسفه موجود در ورای این حرکت تاریخی واکاوی شود، و برای اینکه بتوان در عصر کنونی از آن بهره برد، لازم است به ظرفیت‌های آن توجه شود. مسئله اصلی این مقاله آن است که چه ظرفیت‌هایی در این فلسفه نهفته است؟ هدف این است که با روش استنادی و تبیینی، ظرفیت‌های این فلسفه سیاسی را بیان نماییم. گرچه در خصوص اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام کتاب‌ها و مقالات زیادی نگارش یافته، اما به فلسفه سیاسی ایشان کمتر توجه شده و به‌ویژه درباره ظرفیت آن هیچ مقاله یا کتابی تاکنون نگاشته نشده است. این مقاله نشان داده که این فلسفه سیاسی از چه ظرفیت‌هایی در ابعاد نظری و عملی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه سیاسی، ظرفیت، امام خمینی علیه السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

فکری و نظری اندیشمندان بگشاید؟ و یا در بعد عملی، چه ظرفیت‌هایی در فلسفه سیاسی ایشان وجود دارد که می‌تواند انسان‌های آزادیخواه را به قیام و حرکت وادارد؟

مقاله حاضر در دو قسمت سامان یافته است: در بخش نخست، ظرفیت‌های نظری اندیشه امام راحل و در قسمت دوم، ظرفیت‌های کاربردی و عملی اندیشه سیاسی ایشان واکاوی شده است.

## تبیین واژگان کلیدی مقاله

۱. **ظرفیت:** به معنای گنجایش، وسع، استعداد، قابلیت (عمید، ۱۳۶۷)، طاقت (حسینی تهرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۷۰)، تحمل و توانایی (معین، ۱۳۷۱) یک شیء به کار می‌رود.

۲. **فلسفه سیاسی:** دانشی است که به روش فلسفی به دنبال درک و فهم حقایق امور سیاسی و اثبات و تبیین آن است (رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۳۵).

۳. **امام خمینی:** سیدروح‌الله موسوی خمینی، متولد اول مهر سال ۱۲۸۱ش در خمین و متوفای سیزدهم خرداد ۱۳۶۸ش.

## ظرفیت‌های نظری فلسفه سیاسی امام خمینی

فلسفه سیاسی امام خمینی، در بعد نظری دارای قدرت تبیینی در عرصه‌های گوناگونی همچون تبیین حق قانون‌گذاری، تبیین حقیقت هستی و پیوند آن با مشروعیت قدرت و حکومت، ارائه ملاک برای مشروعیت سیاسی، تبیین درست رفتار انسان در میدان عمل سیاسی و اجتماعی، و در نهایت، تبیین واقع‌نمایی دانش و شناخت انسان از هستی و امور سیاسی است. در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

## ۱. تبیین حق قانون‌گذاری

یکی از پرسش‌های اساسی در علوم سیاسی این است که چه کسی حق دارد رفتار و زندگی انسان‌های آزاد را با وضع قوانین محدود سازد؟ این پرسش از چند جهت قابل امعان نظر است:

اول. انسان‌ها همه برابر و آزاد آفریده شده‌اند. پس به چه دلیل فقط یک عده حق داشته باشند برای دیگران قانون و مقررات وضع کنند؟

ظهور امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز تحولات بزرگی در دنیای معاصر و به‌ویژه جهان اسلام گردید. این پیروزی معیارها و ضوابط موجود و حاکم بر روابط بین‌الملل را برهم زد و بسیاری را به تفکر و بازشناسی دستاوردهای فکری خود و تدبر در حقانیت وعده‌های ادیان آسمانی و انبیای الهی واداشت. پرتو پرفروغ اندیشه‌های متعالی امام راحل و تفکر فلسفی سیاسی ایشان، علی‌رغم محدودیت‌ها و خفقان فیزیکی و رسانه‌ای دنیای زر و زور و تزویر، مرزهای ایران اسلامی را درنوردید و جهان را مخاطب خویش ساخت.

از سوی دیگر، رویش سرتاسری مقاومت اسلامی در کل جهان اسلام به جای مقاومت ناسیونالیستی عربی؛ درجا زدن ماشین جنگی صهیونیسم و عقب‌گرد آن از رؤیای نیل تا فرات، به سمت خزیدن در لاک دفاعی و کشیدن دیوارهای بتونی و سیم خاردار در اطراف مناطق اشغالی فلسطین، بخشی دیگر از تأثیرات شگرف نهضت امام خمینی، در دنیای معاصر است که ریشه در انقلاب اسلامی ایران به رهبری ایشان دارد و از اعماق اندیشه‌های توحیدمحور، عدالت‌خواه، معنویت‌گرا، آزادی‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه ایشان ریشه می‌گیرد؛ چنان‌که بدون برخورداری از یک پشتوانه فکری امکان‌پذیر نیست.

گرچه درباره اندیشه سیاسی امام خمینی کتاب‌ها و مقالات زیادی نگارش یافته، اما کتاب و تحقیقی که به فلسفه سیاسی ایشان پرداخته باشد، نگاشته نشده و به‌ویژه در خصوص ظرفیت فلسفه سیاسی ایشان هیچ مقاله و یا کتابی تألیف نگردیده است. بدون تردید، حفظ نظام اسلامی ایران، که محصول فلسفه سیاسی امام خمینی است نیازمند درک عمیق فلسفه سیاسی ایشان است و پویا نگه‌داشتن آن در داخل و در عرصه بین‌المللی نیازمند شناخت دقیق از ظرفیت نظری و نیز کاربردی این فلسفه سیاسی است.

حال پرسش اصلی این است که چه ظرفیت‌هایی در این فلسفه سیاسی نهفته که توانسته اینچنین توجه انسان‌های آزاده را به خود معطوف کند و آنها را در برابر جهان‌خواران و سلطه‌گران بین‌المللی وادار به خیزش و قیام سازد؟ در کنار این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی دیگری مطرح است؛ ازجمله اینکه چه ظرفیت‌های نظری در فلسفه سیاسی امام خمینی وجود دارد که بتواند گرهی از مشکلات

گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است (همان، ص ۳۸۸).

## ۲. تبیین مشروعیت قدرت سیاسی

نکته دیگری که امام راحل، از اصل «توحید» استفاده می‌کند، مسئله «مشروعیت قدرت و حکومت» است. در نگاه ایشان، انسان‌ها در اصل اطاعت از قوانین الهی باهم برابرند و اطاعت از قوانین الهی بر همگان، چه حاکم و چه محکوم، واجب است، و کسی از مشروعیت سیاسی برخوردار است که منصوب یا مأذون از جانب خداوند متعال باشد، و کسی که چنین نباشد از خط توحید خارج شده، در صف طاغوت و شرک قرار می‌گیرد. ایشان براساس اصل «توحید»، جامعه انسانی را به دو خط توحیدی و طاغوتی تقسیم نموده، ملاک آن را تا عصر غیبت امتداد می‌دهند:

اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت؛ یا خداست، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس‌جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است؛ وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است. طاغوت وقتی از بین می‌رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۱).

## ۳. ارائه معیار برای شناخت حقانیت نظام سیاسی

امام خمینی اصل توحید را حاکم بر همه زوایای زندگی انسان‌ها دانسته، الهی بودن خطمشی جریان‌های سیاسی را دلیل حقانیت آنها، و فاصله داشتن از مسیر الهی را دلیل باطل بودن آنها می‌داند. از همین رو، از نظر ایشان، ملاک حق یا باطل بودن یک نظام سیاسی به این است که رهبران نظام سیاسی و خط و مشی آنها در مسیر الله، صراط مستقیم و صراط انسانیت باشد، یا در صراط شیطان و نفس و خودپرستی. به تعبیر ایشان، «ظل الله» و یا «ظل شیطان» بودن حاکمان سیاسی ملاک حقانیت و بطلان نظام‌های سیاسی است.

امام راحل از یک‌سو، برای حقانیت نظام سیاسی معیار ارائه می‌دهند، و از سوی دیگر، مصادیق آن را به مردم معرفی می‌کنند. به تعبیر ایشان، بارزترین مصداق «ظل الله» پیامبران و به‌ویژه پیامبر اکرم ﷺ است؛ زیرا پیغمبر هرچه دارد از خداست، و هرچه می‌بیند

دوم. آگاهی انسان‌ها از روابط آشکار و نهان انسان و جهان محدود است. بدین‌روی، نمی‌توان اطمینان داشت قوانینی که توسط بشر برای انسان‌ها وضع می‌شود، بتواند سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها را تأمین کند.

سوم. انسان‌ها خود از قوانین نفع می‌برند. در نتیجه، ذی‌نفع بودن قانون‌گذاران انسانی این شائبه را در ذهن انسان‌ها ایجاد می‌کند که ممکن است آنها در تصویب قوانین، فقط منافع خود را لحاظ نموده باشند و نه سعادت و نفع کل جامعه انسانی را.

این سه نکته سایه‌های ابهام‌آمیزی بر حقانیت قانون‌گذاری قانون‌گذاران بشری انداخته و مشروعیت آن را به چالش کشیده است. در فلسفه سیاسی امام خمینی ﷺ مبدأ هستی چون یگانه مالک حقیقی عالم است، حق هرگونه تصرف مالکانه در هستی از آن اوست، و چون دارای شناخت و علم کامل نسبت به جمیع مخلوقات است و خود در قانون‌گذاری ذی‌نفع نیست. بدین‌روی، حق هدایت و قانون‌گذاری برای موجودات و از جمله انسان‌ها را فقط او داراست. همه انسان‌ها در برابر قانون الهی مساوی‌اند و هیچ انسانی حق به بند کشیدن انسان‌های دیگر و اعمال قانونی غیر از قوانین الهی را نسبت به دیگران ندارد.

این نگرش حق قانون‌گذاری را منحصر در خداوند متعال نموده و حق قانون‌گذاری بشری را نفی می‌کند؛ امری که کل شاکله اندیشه سیاسی امام خمینی ﷺ بر آن بنا شده است. از نگاه امام راحل، ریشه همه عقاید مسلمانان، اصل «توحید» است. مطابق این اصل، تنها ذات مقدس خدای تعالی از همه حقایق مطلع و قادر بر همه چیز و مالک همه چیز است. بنابراین:

انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد. و هیچ انسانی حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۸۷).

امام راحل بر پایه اصل «آزادی انسان‌ها در برابر همدیگر و مساوی بودن بشر در رفتار و روابط خود با دیگران» حق قانون‌گذاری الهی را نسبت به انسان و سرنوشت او تبیین می‌کند:

ما معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است؛ همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است. و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در

آدمی خونریز، جانشین شایسته خدا و آیینۀ صفات او پدید می‌آورد. اگر این اصل نبود هیچ قرارداد اجتماعی، چه در عالم فرض و چه در عالم واقع صورت نمی‌بست، و هرگز آدم‌ها حاضر نبودند از منافع خود بگذرند و یکدیگر را تحمل کنند (اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

از سوی دیگر، در بعد زمینی وجود انسان سه موتور محرک نیرومند تعبیه گشته که عبارتند از: شهوت، غضب و شیطنت، که همه چیز را برای خود خواسته و هر کدام از اشتباه‌های سیری‌ناپذیری برخوردارند و هیچ‌کدام نقطه انتهایی برای خود نمی‌شناسند. به تعبیر دقیق‌تر:

قوة شیطنت، که فروع آن عجب و کبر و طلب ریاست و خدعه و مکر و نفاق و کذب و امثال آن است، و قوه غضب، که خودسری و تجبر و افتخار و سرکشی و قتل و فحش و آزار خلق و امثال آن از فروع آن است، و قوه شهوت، که شره و حرص و طمع و بخل و امثال آن از فروع آن است (موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ص ۸۳ و ۸۴).

انسان اگر خود را بدون قید و شرط در خدمت این امیال قرار دهد، دنیا را برای خود خواسته و ثمره آن نزاع و کشمکش‌های بی‌پایانی است که جامعه بشری را در آشوب بی‌پایان فرو خواهد برد.

پس هم‌هائز که می‌گوید: انسان گرگ است، و هم‌روسو که معتقد است: فطرت آدمی پاک و صلح‌جوست، هر یک جنبه‌ای از وجود او را دیده‌اند. اما انسان اگر فقط گرگ باشد، دیگر تشکیل جامعه مدنی ممکن نیست، و اگر آدمی تنها فرشته‌صفت و صلح‌جو باشد، این جنایات و قتل‌ها چه معنایی دارد؟! پس انسان، هم این است و هم آن، و در عین حال، نه این است و نه آن. نظر امام در این باب، هم واقع‌گرایانه است و هم خوش‌بینانه (اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۱ و ۴۲).

#### ۵. تبیین واقع‌نمایی دانش انسان از جهان هستی

یکی از دغدغه‌های اصلی که از گذشته‌های دور تاکنون انسان‌ها را به خود مشغول نموده است، این است که آیا دانش انسان‌ها از جهان هستی واقع‌نماست؟ و یا آنکه واقع‌نمایی آن قابل اثبات نیست؟ تنها در صورتی می‌توان از واقع‌نمایی دانش انسان‌ها اطمینان حاصل نمود که دانش انسان‌ها از جهان هستی به شناخت حضوری و بدون واسطه منتهی گردد، و از آنجاکه شناخت

خداست، او فانی در خداست. هر حرکتی پیغمبرها می‌کنند همانی است که مطابق رضای خداست. در نگاه امام خمینی<sup>ع</sup> حاکمی که اینچنین تابع الهی نباشد ظل الله نخواهد بود، بلکه او به هر میزانی که از اوامر خداوند متعال تخطی می‌کند به همان میزان، از سایه بودن برای خداوند فاصله گرفته و تبدیل به سایه شیطان شده است (همان، ج ۷، ص ۴۲۹).

امام خمینی<sup>ع</sup> حاکمان جور و ناحق را، که به ملت‌های خود خیانت می‌کنند، ظل ابلیس می‌داند که حتی لفظ مبارک «ظل الله» را به همراه مقام حاکمیت برای خود غصب کرده‌اند (همان، ج ۶، ص ۳۳۸).

#### ۴. تحلیل مناسب پدیده‌های انسانی

از نظر امام راحل، انسان سرشت دوگانه دارد: او از یک‌سو، سرشت خاکی داشته، عوارض زمینی را با خود همراه دارد، و از سوی دیگر، حامل امانت الهی و دارای روح ملکوتی است. پس انسان یعنی: موجودی خاکی که در او روح خداوندی جریان دارد (اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۵). بنابراین، هر بخشی از او به سویی میل دارد. در نتیجه، آشوبی در درون انسان شکل می‌گیرد و به او هویت دوگانه می‌بخشد. در نتیجه، انسان همواره درگیر بزرگ‌ترین کشمکش‌های است که می‌تواند تصور کند. همه جنگ‌های بیرونی بشر در حقیقت، بازتاب همین کشمکش درون (همان، ص ۴۹) و ریشه همه جنایاتی که در تاریخ روی داده، همان بعد زمینی و غریزه حیوانی انسان است. به اعتقاد امام خمینی<sup>ع</sup>، خداوند متعال دو نیروی محرک قوی مبتنی بر فطرت الهی در سرشت انسان‌ها به امانت نهاده، که عبارتند از: عشق به کمال مطلق، و تنفر از هر نوع نقص؛ و تمام انسان‌ها بدون استثنا از این دو نهاد سرشتی برخوردارند، هرچند خود آنها توجهی به آن نداشته باشند، و یا در تشخیص کمال و نقص و کامل و ناقص گرفتار اختلاف و یا دچار اشتباه گردند. حتی شقی‌ترین انسان‌های وحشی و خونریز طالب کمال‌اند؛ و خونخواری و آدم‌کشی را کمال تشخیص داده و برای به دست آوردن آن، عمر خویش را صرف کرده، از جان خویش مایه می‌گذارند (اردبیلی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۴).

بنابراین، انسان از یک‌سو، از روح الهی و فطرتی کمال‌جو برخوردار است و همین اصل فطرت کمال‌جویی است که تشکیل اجتماعات و جامعه مدنی را ممکن می‌سازد و همین اصل است که از

### ۱. هویت بخشی به جنبش‌های اسلامی

ظرفیت عملی اندیشه سیاسی امام خمینی ❦ بدون تردید، برخاسته از ظرفیت اسلام است که برای هر دردی علاجی و برای هر مشکلی چاره‌ای در خود دارد، و در این میان، امام حکیمی است که مانند یک پزشک حاذق، هم دردهای جوامع اسلامی را تشخیص داد و هم ریشه درد را و هم راه برون‌رفت را به خوبی یافت، و به همین سبب، به اندیشه سیاسی خود ظرفیتی بخشید که در صورت توجه به عمق آن، می‌تواند همه ملت‌های اسلامی را تحت یک پرچم گرد آورده، ملل پراکنده را به یک ملت واحد در برابر دشمنان بیرونی تبدیل کند. اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب، به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی‌بخش قرآن کریم را نصب عین خود قرار داده و به کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب آمریکا و مقهور اراده سازش‌کارانه و نیرنگ‌بازی‌های شیطانی شوروی واقع نمی‌شدند. دوری دول اسلامی از قرآن کریم ملت اسلام را با این وضع سیاه نکبت‌بار مواجه ساخته است (همان، ج ۲، ۴۳۸).

در اندیشه سیاسی امام خمینی ❦ با الهام از فرهنگ قرآنی، به مسئله «برادری دینی» در میان امت اسلامی توجه شده است. ایشان تلاش می‌کند تا از هویت اسلامی مسلمانان، هم به‌عنوان برادران دینی و هم به سبب داشتن دشمن مشترک، برای انسجام هرچه بیشتر آنها به نحو احسن استفاده کند. بدین‌رو، در این زمینه، مکرر خطر عظیم اجانب، به‌ویژه صهیونیسم را به برادران اسلامی در همه کشورهای، گوشزد نموده، تأکید می‌کند:

امروز ابرقدرت‌ها زیر عناوین مختلف، خون مردم مستضعف را می‌مکند و به هیچ وجه، کاری به نوع تفکر خویش ندارند، و آنچه برایشان مطرح است مسائل مادی خودشان است (همان، ج ۱۴، ص ۷۶).

از جمله مسائلی که ظرفیت تبدیل شدن به یک انگیزه عمومی برای همه مسلمانان را دارد، «مسئله قدس» است. در نگاه امام راحل:

مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست، و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از

انسان‌ها از خود و شئون‌اتش متکی بر علم حضوری است، تنها در صورتی می‌توان اطمینان یافت که دانش و شناخت انسان از جهان هستی نیز مبتنی بر علم حضوری و واقع‌نماست، که آدمی روزنه‌ای و پنجره‌ای به سمت دنیای بیرون از درون خود داشته باشد، تا بتواند جهان واقع را بر پایه علم حضوری و آن‌گونه که هست بازشناسی نماید تنها در این صورت دانش و شناخت انسان‌ها دارای اعتبار و در عین حال واقع‌نما خواهد بود.

از نظر امام خمینی ❦ انسان یک عالم صغیر است که سراسر جهان هستی در قامت وجودی او خلاصه گشته است، به‌گونه‌ای که اگر هر فردی از افراد انسان را تشریح نموده، بسط دهیم کاملاً با جهان هستی منطبق است. بنابراین، هر چیزی که در جهان هستی وجود دارد در وجود انسان به عنوان عصاره خلقت و عالم صغیر هست، و این انسان هرچه از هستی می‌داند آن را از مطالعه ذات و وجود خود می‌فهمد، بدون اینکه نیازی به دسترسی به خارج و جهان هستی، یا به تعبیر امام راحل، «عالم کبیر» داشته باشد. آنچه در خود انسان است عین جهان هستی است، و جهان خارج از وجود انسان مثل خود اوست. بدین‌رو، عالم کبیر و جهان هستی به وسیله او منکشف می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۱ و ۱۲).

براین اساس، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

الف. انسان عصاره جهان هستی است و هرچه در جهان هستی وجود دارد در وجود انسان نیز هست.

ب. انسان نسبت به خودش آگاهی دارد و شناخت انسان از خودش متکی به علم حضوری و بدون واسطه و بنابراین، صادق و واقع‌نماست.

ج. انسان جهان هستی را از طریق شناخت ابعاد و مراحل وجودی خودش می‌شناسد؛ زیرا آنچه در جهان هستی وجود دارد عین همان چیزی است که در وجود انسان هست.

د. پس نتیجه می‌گیریم که شناخت انسان از جهان هستی، متکی به علم حضوری و منطبق با واقع و واقع‌نماست.

### ظرفیت عملی اندیشه سیاسی امام خمینی ❦

مراد از «ظرفیت عملی اندیشه سیاسی امام خمینی ❦»، ظرفیت موجود در خود اندیشه سیاسی برای معرفی اهداف و راه‌های بهتر زیستن و ایجاد راهکار لازم برای رسیدن به آن اهداف است.

روزی که مسجدالاقصی پی‌ریزی شد، تا آن‌گاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است (همان، ج ۱۶، ص ۱۹۰).  
امام خمینی<sup>ع</sup> با استفاده از مشترکات ملل اسلامی، انقلاب عظیم ملت شریف و مبارز ایران را، پیامد انقلاب‌های رهایی‌بخش و نهضت‌های اصیل ملت‌های مبارز جهان و رهنمودی برای سایر ملل مستضعف و مسلمانان جهان برای رهایی از سلطه همه استعمارگران می‌داند (همان، ج ۱۲، ص ۳۳۱). ارزش این هویت نزد امام راحل به حدی است که ایشان موجودیت خود را به آن گره می‌زند:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» بر تمام جهان طنین نیفتد، مبارزه هست؛ و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم (همان، ص ۱۴۸).

این تعبیرات از یک‌سو، نشان‌دهنده تلاش معمار این اندیشه برای ایجاد یک هویت مشترک برای تمام جنبش‌های اسلامی است، و از سوی دیگر، نمایانگر وجود چنین ظرفیتی در درون این اندیشه سیاسی است. شاهدی بر این ظرفیت استقبال متفکران مسلمان در اقصا نقاط جهان از این طرز تفکر است، که آنان پایان عمر پیروزی کذایی غرب بر اسلام در قرن بیستم را اعلام (صدیقی، ۱۳۷۳، ص ۱۵) و جایگاه حرکت اسلامی را در جهان، نشان داده، سرکوب آن را ناممکن می‌شمارند (کدیور، ۱۳۷۲، ص ۲۳۴).

این اظهارات نمایانگر رشد چشمگیر جنبش‌های اسلامی، آمادگی پذیرش اسلام ناب محمدی در میان توده‌های مردم و مقابله جانانه آنان در برابر سرکوب‌های داخلی و در عین حال، نشان‌دهنده مقابله اسلام‌گرایان با سلطه نامشروع غرب بر نظام کنونی بین‌المللی است.

## ۲. هویت‌بخشی به مستضعفان جهان

ظرفیت عملی دیگری که در اندیشه سیاسی امام راحل به چشم می‌خورد، «ظرفیت فراسمی بودن آن» و یا به تعبیر دیگر، «قدرت تفسیر آن از اسلام فراگیر» است. امام راحل تلاش می‌کند تا از یک‌سو، هویت حقیقی مستضعفان جهان را بازیابی کند و با ترسیم خطوط اساسی هویت واقعی دوست و دشمن، جبهه واحدی از مستضعفان عالم در برابر کل نظام سلطه شکل داده، آنها را برای

گرفتن حقوق از دست‌رفته خویش به قیام و رستاخیز جهانی وادارد تا دست کم - از فلاکتی که سردمداران نظام جهانی سلطه بر آنها تحمیل نموده است رهایی یافته، سعادت دنیوی را در آغوش گیرند. از سوی دیگر، تلاش می‌کند تا با تفسیر آیات قرآنی و کلام خداوند، وعده الهی را شامل همه مستضعفین عالم دانسته، ازین‌رو، آنها را به سمت کلام نورانی خداوند و آیات الهی نزدیک کند، تا شاید با درک احکام و مبانی اسلامی، راه درست زندگی را آموخته، با قبول اسلام به عنوان آیین رهایی‌بخش، سعادت اخروی را نیز فراچنگ آورند.

امام راحل با صراحت، در مقابل برداشت مشهور مفسران، در تفسیر آیه مبارکه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) معتقد است: این وعده الهی شامل همه مستضعفان عالم است و اختصاصی به مؤمنان و مسلمانان ندارد. بدین‌روی، می‌فرماید:

هان ای ملت‌های جهان که همه مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عریده‌های قدرتمندان نهراسید، که خداوند با شماست، و زمین ارث شماست. و وعده خداوند متعال تخلف‌ناپذیر است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۱۳۸).

با استفاده از همین برداشت امام راحل، می‌توان به یک هویت مشترک از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان، که منطبق‌شان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه و هدفشان غارت است، دست یافت. امام راحل صادقانه به این هویت مشترک به دید احترام نگریسته، حاضر است برای ایجاد و حفظ آن، بها بپردازد و بدین‌روی، می‌فرماید: «ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان، که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم» (همان).

بنابراین، اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ع</sup> براساس یک برداشت عمیق از مفاهیم اسلامی، ظرفیت این را دارد که یک هویت مشترک از کل مستضعفین جهان در برابر نظام سلطه ترسیم کند. این ظرفیت مهم در واقع، تراویده از ظرفیت اسلام و بلکه تمام ادیان حقیقی آسمانی است. سیره انبیاء<sup>ع</sup> در طول تاریخ در برخورد با مستکبران و مستضعفان، و روح رحمت و عطف دین و به‌ویژه دین مقدس اسلام، گواهان صادق این حقیقتند.

امام راحل، براساس همین برداشت، از یک‌سو، ایستادگی در برابر ابرقدرت‌ها را یک وظیفه تشخیص می‌دهند: «وظیفه ماست که

شوریدید، پیروید. شما مردم دلیر و آگاه سرمشقی هستید برای ملل زیر سلطه (همان، ج ۱۳، ص ۵۴۴).

ارزش ارائه چنین الگویی بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست؛ اما در منطق امام، ارزش آن فراتر از نسلی از یک ملت است. در این باره می‌فرماید: ما امروز به انتظار شهادت نشسته‌ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند و بار مسئولیت استقلال واقعی را در تمامی ابعادش به دوش کشند و با افتخار، پیام‌هایی مستضعفین را در جهان سر دهند (همان، ج ۱۴، ص ۴۰۸).

این تلاش‌های حضرت امام ثمرات مهمی را نیز در آوردگاه‌های بین‌المللی از خود برجای گذاشته است.

پیام، روش و الگوی امام به عنوان یک برنامه عملیات سیاسی مشترک برای نیل به هدف مشترک تأسیس حکومت اسلامی، مورد قبول مسلمانان سراسر جهان قرار گرفته است (صدیقی، ۱۳۷۳، ص ۶).

شاهد این مدعا تلاش‌هایی است که برای تأسیس حکومت اسلامی در تمام نقاط جهان در حال انجام است و علت آن تبانی دشمنان علیه اسلام در سراسر جهان است. همچنین افزایش کمک‌های تسلیحاتی از سوی دشمنان اسلام به حکومت‌های وابسته مانند عربستان نشان‌دهنده این مطلب است که قدرت جهانی مسلمانان در قالب یک رستاخیز انسانی بیداری اسلامی و بازگشت به اسلام، همراه با ناامیدی از سکولاریسم و ناسیونالیسم عربی به حرکت درآمده است.

#### ۴. امیدبخشی به مستضعفان و پابرهنگان جهان

یکی دیگر از ظرفیت‌های اندیشه سیاسی امام خمینی ره، که برخاسته از آموزه‌های دینی و جلوه‌های قرآنی است، ظرفیت امیدبخشی آن به پیروزی نهایی همه مستضعفان جهان در برابر دنیای استکبار است.

«استضعاف» و «استکبار» از مفاهیم قرآنی است که از یک‌سو، شکل‌دهنده دو جریان زنده و تاریخی است؛ از گذشته‌های کهن تاریخ تاکنون در بستر اجتماع جهانی بشری جاری بوده و یکی از مهم‌ترین شکل‌های قشریندی جامعه انسانی بوده است. از دیگر سو، بخش عمده مبارزات تاریخی انبیاء علیهم‌السلام با این دو مفهوم در یک پیوند

در مقابل ابرقدرت‌ها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم» (همان، ص ۲۰۲). و از سوی دیگر، یادآوری می‌کند:

هر دو ابرقدرت کمر به نابودی ملل مستضعف بسته‌اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم، و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قابل‌نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است (همان).

بنابراین، از دید امام راحل، این هویت مشترک هم امری راهبردی است که سرنوشت ملت‌های مستضعف را به هم گره زده است: «تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی دربسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد» (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۲)، و هم امری مکتبی و برخاسته از عمق اعتقادات دینی است؛ زیرا:

ما باید حسابمان را صریحاً با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت‌باری که داریم، با جهان، برخوردی مکتبی می‌نماییم (همان، ص ۲۰۳).

#### ۳. ارائه الگو برای مستضعفان جهان

از آنجاکه اندیشه سیاسی امام خمینی ره فلسفه‌ای سیاسی است که در عالم واقع و در میان کوران حوادث شکل گرفته و در نهایت، به پیروزی رسیده، از این رو، یکی دیگر از ظرفیت‌های عملی آن، ظرفیت ارائه الگو است؛ الگویی که در بستر تجارب اجتماعی خود آن به دست آمده است. بدین‌رو، برخلاف فلسفه‌های سیاسی، که فقط در عالم اندیشه و خیال شکل گرفته و مجبورند تا در ارائه الگو از نمونه‌های تاریخی وام بگیرند و یا به ارائه الگوهای تخیلی روی بیاورند، این فلسفه سیاسی در ارائه الگو به نمونه‌هایی از جنس خود متکی است، که می‌تواند تمام نقاط قوت و ضعف آن را یک‌جا و باهم به نمایش بگذارد.

فرمایش‌های امام راحل، نشان‌دهنده این نکته است که امام با هوشمندی درصدد ارائه الگویی از این فلسفه برای تمامی مستضعفان جهان است. برای نمونه:

شما مردمی که با تمام وجود بر سر غرب و شرق جهان خوار

ناگسستی بوده است. از همین رو، این دو مفهوم ظرفیت تبدیل شدن به یک گفتمان مبارزاتی را داراست.

«استضعاف» و «استکبار» زمانی موضوع برای اندیشه سیاسی است که در اجتماع انسانی، تبدیل به جریان‌های تأثیرگذار اجتماعی و سیاسی مستضعفان و مستکبران گردد. در اصطلاح علوم سیاسی، مستضعفان زمین کسانی‌اند که ظالمان و قدرتمندان آنان را ستم‌کارانه آماج ظلم و تجاوز خود قرار داده (مغنیه، بی تا، ص ۵۰۶) و حقوق انسانی آنها را به تاراج برده و بر منابع درآمدی و دستاوردهای آنان، و بلکه بر سرنوشت آنها، تسلط ظالمانه، یافته‌اند. خداوند وعده داده است: چنانچه آنان به مبارزه و جهاد برخیزند، بر آنها منت گذاشته، آزادی و کرامت انسانی ربوده شده را به آنان بازگرداند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶ ص ۴۸).

نقطه مقابل جریان مستضعفان، مستکبران هستند، و اینها در طول تاریخ کسانی بوده‌اند که با در اختیار گرفتن منابع سرمایه و درآمدهای جوامع انسانی، درصد استثمار و بهره‌کشی از هموعان خویش بوده‌اند. امروزه نیز کسانی هستند که قریب یک درصد جمعیت زمین را تشکیل می‌دهند، اما تقریباً بر کل درآمدهای خالص و ناخالص زمین چنبره زده‌اند و اجازه نمی‌دهند انسان‌های دیگر به برخورداری‌های اولیه انسانی دست یابند. همین‌ها در تلاشند تا سلطه اقتصادی خویش بر جهان را با سلطه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی کامل کرده، پشیریت را برای همیشه به سمت یک بردگی فوق مدرن سوق دهند.

براساس وعده‌های حتمی الهی، روزی فرا خواهد رسید که خداوند بر مستضعفان منت نهاده، سرنوشت زمین را به دست آنان خواهد سپرد (قصص: ۵).

در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ع</sup> وعده خداوند برای حکومت پابرهنگان جهان، حق است و کسانی که با اتحاد و همدلی در برابر غارتگران بین‌المللی به قیام برخاسته‌اند پیروزی‌شان در برابر ابرقدرت‌ها حتمی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۵۴۴).

**آگاه باشید که جهان امروز دنیای مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارثین زمین و حکومت‌کنندگان خدایند (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۳).**

با توجه به همین نکته است که امام راحل برای ایجاد پیوند میان مستضعفان، در سطح وسیع‌تری از جوامع اسلامی، و در میان تمام

اقشار انسانی، پیشنهاد تأسیس «حزب مستضعفین»، را داده، از آن به‌عنوان «حزب الله» یاد می‌کند، و معتقد است که چنین حزبی موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که فرمود: «مستضعفین باید وارث زمین شوند». بدین‌رو، در ادامه می‌فرماید:

ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می‌کنیم که با هم در «حزب مستضعفین» وارد بشوند، و مشکلات خودشان را با دست جمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند؛ و هر مسئله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید به وسیله «حزب مستضعفین» رفع بشود (همان، ج ۹، ص ۲۸۰ و ۲۸۱).

### ۵. امکان بسیج توده‌ها

در بحث ظرفیت اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ع</sup> باید به این نکته توجه کرد که ظرفیت تبدیل شدن به یک ایده همگانی و مردمی را داراست؛ امری که می‌تواند عامل بسیج توده‌های مردم در مسیر اهداف متعالی و باعث ایجاد استراتژی مبارزاتی عمومی گشته، شهادت و فداکاری در راه هدف را به منزله یک ارزش همگانی، در دل جوامع نهادینه سازد و عموم مردم، اعم از مردان و زنان را وارد فعالیت در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی کند.

این ظرفیت نیز برخاسته از آموزه‌های اصیل اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع است؛ زیرا در مکتب تشیع، دو مسئله در طول تاریخ، تبدیل به باور همگانی گشته است که می‌تواند مردم را در صحنه‌های سخت و کارساز در کنار رهبران سیاسی قرار دهد. این دو باور به منزله دو بالی است که همواره مکتب تشیع را پویا و زنده نگه داشته است:

۱. الهام‌گیری از نهضت امام حسین<sup>ع</sup> که در بازخوانی این نهضت، جوانان شیعه از کودکی چنین می‌آموزند که برای حفظ اعتقادات دینی و برخورد با ظالمان و برداشتن بساط ظلم و جور از جامعه، هنگام ضرورت، اگر لازم باشد، حتی از جان و مال خویش در راه خداوند مضایقه نکنند. بدون شک، نفس قیام امام حسین<sup>ع</sup> دو عنصر مهم قیام عمومی را با خود دارد: «یکی عنصر نفی وضعیت موجود؛ دیگری طرحی آرمانی» (نجفی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). ترکیب این دو عنصر ظرفیت تبدیل شدن به یک ایده همگانی را بدان می‌بخشد. شاهد این مدعا قیام‌های بی‌شمار تاریخی است که برگ‌های زرینی را در طول تاریخ به خود اختصاص داده و قلمرو آن نیز منحصر در حوزه کشورهای اسلامی نبوده است.



خودش انسان درست می‌کند، و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد (همان، ج ۷، ص ۳۳۹).

در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان، می‌تواند همراه با مردان در بنای جامعه اسلامی مشارکت فعال داشته باشد، ولی نه به صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که درباره او چنین بیندیشند (همان، ص ۴۱۴). زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند (همان، ج ۳، ص ۳۷۰).

زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه بازیابد و متناسب با چنین رشدی، می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد (همان، ج ۴، ص ۴۳۴).

در اندیشه سیاسی امام خمینی ❁ الگوی زن مسلمان در تهذیب اخلاق، در وادار کردن دوستانش به تهذیب اخلاق، در علم و زهد و تقوا، در عفت و پاکی و جهاد و مبارزه در راه خدا، حضرت فاطمه زهرا ❁ و دختر او حضرت زینب ❁ است، حضرت فاطمه زهرا ❁ که نمونه یک انسان کامل است، تمام هویت انسانی در ایشان جلوه‌گر است. زن ایرانی از آن‌رو امروز نمونه و الگو شده است که الگوهایی همچون حضرت فاطمه زهرا ❁ و حضرت زینب کبری ❁ و حضرت فاطمه معصومه ❁ دارد و موفقیت زن امروز ایرانی در آوردگاه کارزار سیاسی و اجتماعی، جلوه‌ای از درخشش زنان پیشتاز نام‌برده است.

در اندیشه سیاسی امام خمینی ❁ زن مبدأ همه خیرات است. زن موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند (همان، ج ۷، ص ۳۳۹). زنان در میدان مجاهده و مبارزات سیاسی و اجتماعی، همدوش مردان، بلکه مقدم بر آنانند (همان، ج ۲۰، ص ۷).

بنابراین، در اندیشه سیاسی ایشان، زن می‌تواند در همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه نقش ایفا کند؛ هم در میدان تحصیل و هم در میدان دفاع از اسلام؛ و چون دفاع از حریم کشور، زندگی، مال و اسلام بر همه واجب است، مقدمات دفاع هم واجب است. اما نباید غفلت کرد که نقش محوری زن، نقش تربیتی اوست. مهم‌ترین نقش زن این است که بتواند فرزندان برومند و سالمی را به اجتماع تحویل دهد و از همین طریق، زمام امور کشور را به دست گرفته، سرنوشت آن را رقم زند.

۲. هماهنگ شدن این واقعه با مسئله «انتظار» است؛ بی‌تردید، نظاره کردن منظره بدیعی همچون حکومت مهدوی، به‌مثابه یک حکومت فراگیر و جهانی، که عدالت مطلق را در سراسر گیتی گسترش داده، امنیت، ثبات، رفاه، آزادی و سعادت واقعی را برای همه انسان‌ها به ارمغان می‌آورد، می‌تواند به یک انگیزه همگانی و عمومی برای تمام اقشار جامعه تبدیل گردد و سراسر یک ملت را به حرکت و قیام وادار سازد.

افزون براین، در اندیشه سیاسی امام خمینی ❁ ملهم از نظام سیاسی شیعه، حاکمان سیاسی متمایز از مردم و یک اقلیت زورگو نیستند که بر اکثریت مظلوم تحت سلطه حکومت کنند؛ حکومت هم بر مردم به معنای سلطه بر مقدرات جامعه نیست، بلکه حاکمان از جنس مردم‌اند و برای خدمت‌گزاری به مردم وظایفی دارند؛ همچون تدبیر امور کشور و دفاع از آن با اراده ملت. ملت نیز وظیفه دارد از زن و مرد، کوچک و بزرگ، خود را عهده‌دار پشتیبانی از آنان بداند و در مشکلات دولت و ارتش، سهیم و در رفع آنها هم‌قدم و هم‌فکر باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۲۵۲).

چنین نگرشی به دولت و قدرت سیاسی، که به نوعی همراه با افسون‌زدایی از قدرت و عقلانی‌سازی آن و پاسخگو قرار دادن حکام در برابر مردم است، موجب می‌شود که روح ایمان، تعهد و تعاون در کالبد جامعه و در میان اکثریت قاطع ملت به وجود آید و مردم، دولت و حاکمان سیاسی را از خود بدانند و در زمان نیاز، برای یاری رهبران و یا حاکمان سیاسی، در قالب یک بسیج همگانی، به قیام همگانی مبادرت ورزند و به فرموده امام راحل: داوطلبان جهاد و شهادت در راه خداوند متعال روز به روز افزایش یافته، همگی منتظر فرمان الهی‌اند (همان، ص ۲۵۱).

## ۶. امکان مشارکت سیاسی زنان

در اندیشه سیاسی امام راحل، ملهم از برداشت اصیل از اسلام ناب محمدی، زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن پرورش‌دهنده زنان و مردانی ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت مردان و زنان بزرگ است:

زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح

## ۸. توسعه‌بخشی آرمان‌های اسلامی در سراسر جهان

اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ع</sup> ظرفیت تبدیل شدن به یک ایده همگانی و جهانی دارد؛ امری که می‌تواند عامل بسیج سراسری در سراسر پهنه گیتی، و رستاخیز قیام مردمی در کل جهان در مسیر اهداف متعالی گردد.

اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ع</sup> متکی به باورهای عمیق فطری و انسانی است؛ امری که می‌تواند به‌مثابه یک زبان مشترک، تمام انسان‌ها و کل عائله بشری را در یک راهبرد کلان مشترک در مسیر اعتلای انسانی، در صف واحد قرار دهد؛ باورهایی همچون: عشق به کمال، تفرق از نقص (موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ص ۸۴ و ۱۸۵)، عشق به راحت، و عشق به آزادی (همان، ص ۱۸۷)، حمایت از مظلوم، مبارزه با ظلم و نفی ظالم، استقلال کشورها، آزادی حقیقی و آزادی انسان‌ها، صلح حقیقی، سعادت و کمال حقیقی و عدالت فراگیر.

بدون تردید، این باورهای مشترک ریشه در اعماق فطرت انسانی دارد و می‌تواند وجدان بیدار هر انسان آزاده‌ای را به سمت خود متمایل سازد. از سوی دیگر، امام راحل در یک تفسیر حکیمانه، خاستگاه و ریشه حقیقی همه این باورها را در اعتقادات اصیل اسلامی و به‌ویژه اصل «توحید» معرفی نموده، مکتب تشیع را به‌مثابه منظره بدیعی از جلوه‌های آگاهانه‌ای از تمام این باورهای ناب انسانی به تصویر می‌کشد. این امر می‌تواند تمام آزادی‌خواهان جهان را به سرچشمه توحید ناب اسلامی و مکتب پرافتخار تشیع رهنمون گردد.

به اعتقاد امام راحل، یکی از مبانی اختصاصی شیعه مبارزه با ظلم و دولت‌های ظالم و مستبد است و شیعه از اول پیدایش و بروز خود، علیه آن زور و ستم مبارزه کرده، کشته داده و فداکاری نموده است. مذهب شیعه نیز با خون خود، آزادی بشر را تضمین کرده است. در سایر مذاهب، مذهبی مثل شیعه نیست که علیه باطل قیام کند. این از خصوصیت بارز شیعه است (همان، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۰).

## نتیجه‌گیری

اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ع</sup> هم در بعد نظری و تبیینی، از ظرفیت خوبی برخوردار است و هم در بعد عملی. در بعد نظری، قدرت تبیینی آن در عرصه‌های گوناگونی بیان شد؛ همچون: تبیین حق قانون‌گذاری؛ ظرفیت تبیین حقیقت هستی و پیوند آن با مشروعیت قدرت و حکومت؛ ظرفیت ارائه ملاک برای مشروعیت سیاسی؛

ظرفیت تبیین حقیقت سعادت و کمال برای انسان و راه‌های تحصیل آن؛ ظرفیت شناخت درست رفتار انسان در میدان عمل سیاسی و اجتماعی؛ و در نهایت، ظرفیت تبیین واقع‌نمایی دانش و شناخت انسان از هستی و امور سیاسی.

در بعد عملی نیز مسائلی مطرح است؛ همچون: هویت‌سازی برای جنبش‌های اسلامی، جهان اسلام و همچنین مستضعفان و پابرهنگان جهان؛ ترسیم راه و رسم مبارزه برای مسلمانان آزاده و مستضعفان جهان؛ الگوسازی برای مبارزات جهانی و ملی؛ و طرح راهکار همگرایی مستضعفان جهان در قالب یک هویت یکپارچه در برابر نظام سلطه.

## منابع.....

اردبیلی، عبدالغنی، ۱۳۹۰، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، چ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>ع</sup>.

اسلامی، سیدحسین، ۱۳۸۱، *امام، اخلاق، سیاست*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>ع</sup>.

حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۶ق، *اسام‌شناسی*، چ سوم، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی.

رضوانی، محسن، ۱۳۸۵، *تواتر و فلسفه سیاسی اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>ع</sup>.

صدیقی، کلیم، ۱۳۷۳، *بنیان‌های عقیدتی و سیاسی وحدت اسلامی*، تهران، هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی.

عمید، حسن، ۱۳۶۷، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.

کدیور، جمیله، ۱۳۷۲، *انتفاضه: حماسه مقاومت فلسطین*، تهران، اطلاعات.

معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.

مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، *تفسیر الکاظمی*، تهران، دارالکتب السلامیه.

—، بی‌تا، *التفسیر المبین*، چ سوم، قم، بنیاد بعثت.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، چ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>ع</sup>.

—، ۱۳۹۱، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، چ چهاردهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>ع</sup>.

نجفی، موسی، ۱۳۸۷، *انقلاب فرا مدرن و تمدن اسلامی (موج چهارم بیداری اسلامی)*، چ دوم، تهران مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.